

شهید سید حسن هاشمی



از بشارت علی
سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۰۸/۰۵/۰۸
محل تولد	بوشهر - کنگان
تاریخ شهادت	۱۳۵۷/۱۱/۲۲
محل شهادت	تمبک
مسئولیت	انقلابی
نوع عضویت	
شغل	—
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	کنگان

زندگینامه

شهید مرحوم سید حسن هاشمی فرزند مرحوم سید محمد در تاریخ ۱۳۰۸ شمسی در بندر کنگان چشم بجهان گشود. در میان خانواده های از سادات معروف کنگان که اسلاف و نیاکان وی ، همه مسئولیت حسینیة بعهدہ داشته اند و از این رهگذر خدمت به اسلام و مسلمین میکردند و خود شهید بعد از پدر متصدی حسینیہ و در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مجالس سوگواری و وعظ و ارشاد در کنگان برگزار می کرده و در این ایام محرم ، از اول تا روز سیزدهم محرم ، اطعام عمومی مخصوصاً فقرا و ضعیفا در ایام مزبور اطعام می شده اند و مورد توجه غالب مردم که در مشکلات و شدائد و بیماری فرزندانشان به اجداد طاهرین وی متوسل می شده اند و ندوری می کرده اند و نتیجه های مثبت می دادند.

و در سال ۱۳۵۷ شمسی همگام با امت حزب الله در تظاهرات نقش بسزائی داشته اند و مخصوصاً در ایام عاشورا با وجود تیر اندازیهای مامورین دژ خیم حکومت ننگین و خائن پهلوی ، بدون واهمه همراه با شعارهای توفنده و کوبنده مردم را علیه رژیم منحوس و منحط پهلوی تحریک و بطرفداری از امام امت ، خمینی بزرگ رهبر گیر انقلاب اسلامی ایران دعوت می نمود و شب عاشورای ۵۷ از خاطره بزرگ و فراموش ناشدنی از شهید است و در شب ۲۲ بهمن سال ۵۷ در تحویل گرفتن اسلحه گروهان همگام با روحانیت مبارز و امت حزب الله و از اینرو در آنروز حساس که اشرار چشم به اسلحه دولتی دوخته بودند ایشان را در حال مأموریت که با برادران تکاور نیروی دریائی جمهوری اسلامی جهت جمع آوری اسلحه های پاسگاه های تابعه بطرف بندر عسلویه می رفتند ، ناگهان مورد حمله اشرار قرار گرفته و ایشان را به درجه رفیع شهادت می رسانند.

وصیت نامه

در محضر شما وصیت می کنم هیچ گاه دست از حسینیه و امام حسین (ع) بر ندارید . سعی کنید راه ایشان را ادامه دهید . به اسلام خدمت کنید . وصیت دوم من این است , اگر از دنیا رفتم مرا به شهر قم ببرید و در آنجا دفن کنید . اگر نتوانستید این کار را انجام دهید مرا در حسینیه خودم دفن کنید . وصیت دیگرم به سید عبدالله است . نگذارید زن دوم من —فاطمه— بچه ها را از شما دور کند و به جای دیگر برود . از خواهر ها و برادر هایت تا آنجا که می توانی مواظبت کن همیشه با هم و دوست باشید . به خدمت حسینیه و امام حسین(ع) کمر ببندید . برایم خیرات کنید . پیرو رهبر انقلاب اسلامی باشید . همیشه از جد بزرگوارمان امام حسین (ع) کمک و راهنمایی بخواهید . تا در برابر دشمنان سر بلند و پیروز باشید .

مصاحبه

شهید به روایت فرزند

در زمان شهادت پدرم سی ساله بودم و به منبر می رفتم . وقتی مردم خبر شهادت پدرم را شنیدند خیلی ناراحت شدند . بیشتر به ما توجه می کردند. کمال تشکر را از آنها داریم .

من بعنوان فرزند شهید باید ترویج دهنده فرهنگ اسلامی و مذهب تشیع باشم . خدمت به خلق خدا , کمک به فقرا و برپا داشتن عزای سید و سالار شهیدان از وظایف یک فرزند شهید می باشد

هنگام شهادت پدرم سعی و تلاش داشتم برای برادران و خواهران خودم پشتیبان خوبی باشم تا آنها احساس تنهایی نکنند .

سید عبدالله هاشمی

شهید به روایت همسر

ما در سال ۱۳۴۰ ازدواج کردیم . ازدواج ما ساده و بی آرایش بود . خاطره ای که از آن مراسم دارم این است که بعد از ۴ سال خشکسالی در شب عروسی ما باران بارید . انسانی خوش اخلاق و خوش رفتار بود . به مردم احترام می گذاشت . ایشان فردی مقید بود . در کار های خانه به من کمک می کرد . یک روز از منزل به سوی حسینه می رفتم . ناگهان متوجه شدم حسینه خیلی شلوغ است . از آنها پرسیدم چه خبر است . آنها گفتند همسرت به شهادت رسیده است .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران